فهرست

[مقدمه 2](#_Toc86529083)

[قاعده صیانت یا وقایه 2](#_Toc86529084)

[معنای لغوی وقایه 2](#_Toc86529085)

[تفاوت مفهوم وقایه با التربیة الوقائیه 3](#_Toc86529086)

[ادله قاعده وقایه 3](#_Toc86529087)

[ادله عقلی 3](#_Toc86529088)

[ادله نقلی 4](#_Toc86529089)

[ادله قرانی 4](#_Toc86529090)

[مفردات آیه 4](#_Toc86529091)

[وجه دلالت آیه 5](#_Toc86529092)

[ادله روایی بحث قاعده وقایه 6](#_Toc86529093)

[روایت دوم 7](#_Toc86529094)

[روایت سوم 7](#_Toc86529095)

[دلیل عقلی مخالفین 9](#_Toc86529096)

[جواب 9](#_Toc86529097)

[جواب اشکال 10](#_Toc86529098)

[جمع‌بندی 11](#_Toc86529099)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

دوستان من متن رساله دکتری خودم را به دوستان دادم ان‌شاءالله بارگذاری می‌کنند همین مطالب به صورت مفصل در رساله دکتری بنده ذکر شده است قواعد و کلیات و آنجا به قواعد مختلفی اشاره کردیم البته در رساله ما به قواعد فقهی تعلیم پرداختیم که یک مقدار اخص است در واقع نسبت به قواعد فقهی تربیتی هست اما با توجه به اینکه در سه بخش رساله کار شده است یک قسمت آن قواعد عام تربیتی است یک قسمت قواعد خاص تربیتی است و یک قسمت هم قواعد خاص به تعلیم و تعلم هست

ان‌شاءالله مفید فایده واقع خواهد شد چون کار رساله دکتری بوده خالی از اشکال طبعاً نیست نیاز دارد کار پخته‌تر صورت بگیرد در مرحله بعدی.

این را گفتم برای اینکه بعداً اشکال نشود که این کار خیلی کار پخته‌ای نیست، در حد یک رساله دکتری به آن نگاه کنید.

یکی از قواعدی که می‌خواهیم بگوییم قاعده صیانت است یا قاعده وقایه که با دو اسم مطرح شده و معمولاً از قاعده وقایه اسم برده می‌شود بعضی از دوستان خودمان در فقه تربیتی، عنوان صیانت هم بر آن پذیرفته‌اند و پیشنهاد داده‌اند و آن هم خوب هست و با هر دو عنوان خدمت شما هستیم

# قاعده صیانت یا وقایه

قاعده صیانت یا وقایه یکی از قواعد پردامنه در فقه تربیتی هست خصوصاً در موضوع تربیت فرزندان خیلی از آن استفاده می‌شود که شاید بگوییم قاعده ام یا قاعده مادر در تربیتی خانواده، قاعده وقایه هست که خیلی از احکام فقهی به این قاعده بر می‌گردد و با تطبیق موضوعات مختلفی که در تعلیم و تربیت داریم می‌شود با قاعده وقایه احکام آنها را به دست بیاوریم.

# معنای لغوی وقایه

در بحث مفهوم شناسی، در واژه وقایه در لغت‌نامه به معنای مطلق حفظ و نگهداری کردن ذکر شده و در برخی دیگر از این لغت‌نامه‌ها به معنای حفظ و نگهداری چیزی از آن چیزی که مورد ضرر و زیان واقع شده چون از وقی گرفته شده است بنابراین معنای لغوی وقایه یعنی حفظ و صیانت از چیزی که موجب ضرر و زیان چیزی می‌شود وقایه به این معناست

از این جهت گفتند از این قاعده به عنوان قاعده صیانت هم می‌شود یاد کرد.

# تفاوت مفهوم وقایه با التربیة الوقائیه

ما بحثی در عربی معاصر داریم التربیة الوقائیه که این نباید با قاعده وقایه در تربیت اشتباه بشود در عربی معاصر وقتی می‌گویند در مفهوم امروزی التربیة الوقائیه، به معنای تربیت پیشگیرانه هست یعنی التربیة الوقائیه یعنی تربیت پیشگیرانه هست در حالی که مقصود از ما که می‌گوییم مفهوم قاعده وقایه به معنای خاص پیشگیرانه نیست بلکه هر نوع اقدام تربیتی، چه پیشگیرانه باشد یا درمان، همه این‌ها را شامل می‌شود که قاعده وقایه از آن عنوان برده می‌شود

به عبارت دیگر مفهوم وقایه در این رساله یک معنای عامی دارد و وقایه به شکل رفعی و دفعی هر دو را شامل می‌شود چه پیشگیرانه باشد چه رفع اشکال و رفع مشکل تربیتی باشد.

علاوه بر این در وقایه استمراری هم مثلاً ما داریم وقایه استمراری نسبت به معاصی گذشته انسان توبه می‌کند که خود یک نوع وقایه است یعنی حفظ و نگهداری از آتش هست بنابراین تربیة الوقایه به معنای خاصش که تربیت پیشگیرانه هست مقصود ما نیست بلکه هم شکل‌های رفعی و هم شکل‌های دفعی وقایه، یعنی وقایه یعنی رهایی از عذاب الهی، هر دو را برای ما شامل می‌شود.

# ادله قاعده وقایه

ما یک سری ادله عقلی داریم و یک سری ادله نقلی

## ادله عقلی

در ادله عقلی می‌گویند که قاعده وقایه، عقل می‌گوید فراهم کردن زمینه و مقدمات عصیان و گناه دیگران امر قبیح و زشت هست که انسان زمینه گناه دیگران را فراهم کند زمینه‌سازی و فراهم کردن مقدمات فرمان‌بری و ترک نافرمان‌تری امر پسندیده و مستحسن است که انسان کاری کند که دیگران فرمان‌بردار شوند و ترک نافرمانی بکنند

بنابراین در مواردی که پدر یا والدین در صدد هستند که با یک انجام اعمالی زمینه و مقدمات ترک محرمات و انجام واجبات برای همسر و فرزندان فراهم بکنند و به این وسیله آنها را از ارتکاب معاصی حفظ بکنند از نظر عقلی عمل مستحسنی هست که خیری به دیگران وارد می‌کند و خیر رساندن به دیگران و جلوگیری از ضرر رسیدن به دیگران امر خوب است

بر اساس قاعده عقلی فقط روشن است که این دلیل عقلی که ما می‌خواهیم بگوییم رجحان و استحباب حفظ فرزندان از گناه را افاده می‌کند می‌گوید این کار مستحسن است عقل می‌گوید کار مستحسنی است اما حتماً الزامی در این زمینه باشد از قاعده عقلی به دست نمی‌آید و بنابراین با توجه به حکم عقل که می‌گوید حفظ دیگران از خطا و زمینه‌سازی برای اطاعت دیگران استحباب دارد یا استحسان دارد شرع هم حکم می‌کند که این قاعده وقایه از نظر عقلی مستحسن هست و استحباب دارد اما الزامش از دلیل عقلی فهمیده نمی‌شود.

## ادله نقلی

### ادله قرانی

از نظر ادله نقلی ما آیات مختلفی داریم که می‌توانند مورد استناد قاعده وقایه قرار بگیرند مثل آیه ائتمار، **﴿ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ**[[1]](#footnote-1)**﴾** آیه مضاره، آیه وقایه، آیه 42 سوره هود، آیه 97 و 98 سوره حضرت یوسف علیه‌السلام آیه 128 سوره توبه که آیاتی مختلفی هستند اما از میان همه این‌ها آیه‌ای که مستند اصلی قاعده وقایه هست آیه ششم سوره تحریم هست که از آن به قاعده وقایه یاد می‌کنیم اعوذ بالله من الشیطان الرجیم **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ**[[2]](#footnote-2)**﴾** ای کسانی ایمان آورده‌اید خودتان و خانواده خودتان را از آتش حفظ کنید آتشی که فرشتگان خشمگین و سخت‌گیر بر آن گماشته شده‌اند و هر چه را خداوند به آنها بگوید آن فرشته‌ها نافرمانی نمی‌کنند و همان می‌کنند که به آن مأمور شده‌اند

این آیه، آیه مستند اصلی در مورد قاعده وقایه هست

### مفردات آیه

برخی از مفردات آیه توضیح داده می‌شود و تا به حکمی در مستند آیه هست برسیم

یکی از مفردات در این آیه واژه اهل هست چون ما بحث را خیلی مختصر می‌گوییم خیلی وارد شقوق مختلف لغوی و بحث‌های استدلالی نمی‌شویم تا قاعده فهمیده بشود برای این مسائل جزئی و اشکالاتی که در این زمینه شده و جواب‌هایی که داده شده به همان رساله مراجعه کنید مفصل بیان شده است.

واژه اهل به نظر می‌رسد مراد اهل در این آیه همه نزدیکان که با شخص زندگی می‌کنند باشد مستندتی اینجا بیان شده است مثلاً مفردات قران اهل الرجل فی الاصل من یجمعه و ایاهم مسکن الواحد آنها که در یک خانه واحد با یک مرد زندگی می‌کنند طبق این معنا همسر و فرزندان قطعاً جزو اهل هستند در نتیجه می‌توان برای اثبات و والدین در مورد صیانت همسر و فرزندان از گناه به آیه تمسک کرد پس اهل که گفته می‌شود همسر و فرزندان قدر متیقن هست حالا ممکن است افراد بیشتری از زن و فرزند هم هستند ممکن است بگوییم نیستد که بستگی به نظارت مختلفی که مفسران داده‌اند و می‌شود بحث کرد.

ممکن است معنای اهل در برخی از آیات و روایات عمومیت داشته باشد مثل اهل قریه اما در این آیه به قدر متیقن اکتفا می‌کنیم.

یک نکته‌ای که در این آیه هست ما برای اثبات وظیفه مندی مادر در مقابل پدر خانواده از این آیه نمی‌توانیم استفاده کنیم و آیه و روایتی که در ذیل آن هست این وظیفه را برای مادر نسبت به پدر نمی‌شود استفاده کرد اما برای فرزندان می‌شود استفاده کرد؛ یعنی مادر نسبت به فرزند

صیغه امر در قوا که می‌گوید اینجا صیغه امر ظهور در وجوب هست **﴿ قُوا أَنْفُسَكُمْ** ﴾ آیه بر تکلیف است وجوبی و الزامی دلالت دارد بعد هم مصون عنه است در آیه آتش در دوزخ است که شاهدی هست بر اینکه دلالت بر تکلیف دلالت الزامی هست

### وجه دلالت آیه

با توجه به مطالبی که گفته شد ما مقدماتی می‌گوییم تا نتیجه‌ای بگیریم

این است که خطاب موجود در آیه عام است و هم شامل پدر می‌شود و هم شامل مادر. مفهوم اهل نسبت به همسر و فرزندان شمول دارد و مراد از وقایه هم حفظ اهل و خود انسان از اینکه به معصیت گرفتار بشود و صیغه امر هم ظهور در وجوب دارد.

این چهار مقدمه را که کنار هم بگذاریم نتیجه مقدمات بالا این می‌شود که آیه شریفه بر تکلیف الزامی خود انسان بر اینکه خودش کاری بکند که خودش از آتش حفظ بشود دوم اینکه تکلیف الزامی پدر برای حفظ خود، فرزندان و همسر از آتش دوزخ دلالت دارد

و تکلیف الزامی مادر بر حفظ خود و برای حفظ فرزندانش

گفتیم تکلیف مادر نسبت به پدر از آیه استفاده نمی‌شود

بنابراین این چند تکلیف الزامی را از آیه ما می‌توانیم استنباط کنیم

قاعده صیانت قاعده‌ای است که علاوه بر اینکه ادله عقلی که پشتوانه مستقلی هست وجود دارد در این زمینه اثبات وظیفه والدین نسبت به تربیت خودشان و فرزندانشان برای حفظ از آتش دوزخ 16:00؟؟؟

بنابراین همین که ما می‌گوییم حفظ از آتش دوزخ معلوم می‌شود در آیه ما نمی‌توانیم استنباط بکنیم بر مستحبات یا بر مکروهات آیه دلالت داشته باشد چون آیه فقط کارهایی که از آتش دوزخ شما را حفظ می‌کند یا ترک واجبات هست یعنی ترک واجب باعث می‌شود وارد آتش دوزخ شوید یا انجام محرمات که محرمات را باید ترک کنیم

پس ادله قرانی و دلیل قرانی که ما الآن بحث کردیم چون دلایل قرانی متعدد بود و آن که مهم‌ترین دلیل قرانی حساب می‌شد گفتیم آیه وقایه

آیه وقایه لزوم حفظ خود و فرزندان از دوزخ در مسائل تربیتی خصوصاً استفاده می‌شود حالا پدر و مادر کاری بکنند که بچه‌ها به گناه و معصیت دچار نشوند انجام واجبات و ترک محرمات برای خود و فرزندانشان آسان بشود این‌ها الزاماتی هست که از این آیه استفاده می‌شود

حتی برخی از فقها در کلام فقهی‌شان گفته شده است پرسیده شده که پدر می‌تواند تلفن همراه یا برخی از اتاق فرزندان را نگاه کند ببیند این‌ها در مکان خصوصی خودشان که آیا کارهایی که حرام است و درست نیست را آیا انجام می‌دهند یا انجام نمی‌دهند را تجسس کند چون تجسس ادله‌ای دارد که ادله منع از تجسس هست

آیا می‌شود پدر به خاطر به جهت تربیتی این کار را انجام بدهد این فقیه بزرگوار به آیه وقایه اشاره کرده‌اند و گفتند **﴿ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا** ﴾ این آیه حاکم است یعنی لزوم وجوب توجه پدر و مادر به کارهای فرزندان از جهت تربیتی حتی برای آن ادله حرمت و تجسس حاکم است بنابراین این آیه مهمی است که در خیلی از مطالب تربیتی می‌شود از آن استفاده کرد.

### ادله روایی بحث قاعده وقایه

روایات متعددی هست که برخی سندشان درست نیست و برخی روایات سندشان درست است ادله‌ای که سند درستی ندارند مؤید روایاتی که سند درست دارند حساب می‌شوند

مثل روایتی که از پیامبر نقل شده است که **﴿ و الرَّجُلُ راعٍ على أهلِ بَيتِهِ و هُو مَسؤولٌ عَنهُم ، و المَرأةُ راعِيَةٌ على بَيتِ بَعلِها و وُلْدِهِ و هِي مَسؤولَةٌ عَنهُم**[[3]](#footnote-3)**﴾** یعنی انسان مرد راعی هست راعی آن چوپان است که سرپرستی می‌کند از آن گرفته شده است سرپرست بر خانواده خودش هست و هر سرپرستی مسئول آن کسانی هستند که تحت سرپرستی او قرار گرفته‌اند و زن هم سرپرست مال همسر خود هست و مسئول از مال همسرش هست

این روایت چون بدون سند ذکر شده است در کتاب 20:17؟؟؟؟ نقل شده است و مرحوم نوری در مستدرک الوسائل نقل کرده است سند ندارد اما از نظر دلالی واژه راعی که حافظ، مراقب، سرپرست، والی و این‌ها جزء معانی راعی هست دلالت می‌کند که انسان یعنی مرد حافظ و نگهبان اهل‌بیتش هست و باید آنها را حفظ کند و مسئول هم هست یعنی از او سؤال می‌شود بازخواست می‌شود در مقابل این مسئولیت که خدا به او داده است

از چه چیزی باید حفظ کند در اینجا بیان نشده است ولی قدر متیقن از حفظ کردن حفظ کردن به مشکلات اصلی که آنها را راه خدا باز می‌دارد دچار نشوند یعنی موانع تربیتی که آنها را به آتش جهنم بیندازد از پیمودن از مسیر کمال انسانی در واقع منع کند یکی از مواردی هست که والدین مخصوصاً پدر در این حدیث وظیفه دارد که اهل‌بیت خود را از آن حفظ کند اگر بدترین چیزی که برای یک خانواده پیش بیاید این است که به آتش دوزخ دچار بشوند از کمال انسانی خود باز بمانند بقیه چیزها مادون است پایین‌تر از این مشکلات هستند قدر متیقن این است که خانواده خود را حفظ کند که بالاترین مشکلی که ممکن است برای یک خانواده پیش بیاید.

باز اشاره می‌کنم که در این روایت قرینه وجود دارد زن نسبت به همسر خود چنین وظیفه‌ای ندارد قرینه این است که گفته است ﴿ و المرأة راعیة علی مال زوجها ﴾ نه اینکه نسبت به زوج البته این وظیفه برای خانم قرار داده شده است.

## روایت دوم

روایت دوم از امام جعفر بن محمد، امام صادق علیه‌السلام هست **﴿ لا يَزالُ العبد المؤمنُ يُورِثُ أهلَ بيتِه العلمَ و الأدبَ الصّالحَ حتّى يُدخِلَهُم الجنّةَ جميعا، حتّى لا يَفْقِدَ مِنهم صَغيرا و لا كبيرا و لا خادِما و لا جَارا؛ و لا يزالُ العبدُ العاصِي يُورِثُ أهلَ بيتِه الأدبَ السَّيّئ حتّى يُدخلَهمُ النّارَ جميعا، حتّى لا يَفْقِدَ فيها من أهل بيته صَغيرا و لا كبيرا و لا خادِما و لا جَارا**[[4]](#footnote-4)**﴾** امام صادق علیه‌السلام بین دو بنده مقایسه می‌کنند که این بنده مؤمن اهل‌بیت خودش را با علم و ادب زینت داده و این‌ها در ارث در آنها قرار داده متخلق کرده به علم و ادب صالح و با این علم و ادب صالح وارد بهشت می‌شوند و بنده معصیت کاری که آمده است ادب بد در خانواده خود به ارث گذاشته و باعث شده این‌ها جهنمی بشوند

بنابراین این روایت از نظر سندی بدون ذکر سند نقل شده در کتاب دعانم الاسلام نعمان بن محمد تمیمی نقل شده اما از میزان دلالت بر این دلالت دارد که تعلیم و تربیت مستمری که برای افراد تحت تربیت بهشت به دنبال دارد از ویژگی‌های فرد مؤمن است در مقابل بنده‌ای که مؤمن نیست بنده گناه‌کار هست با یاد دادن آداب زشت موجب وارد شدن افراد تحت تربیت خود به جهنم می‌شود

اگر کسی می‌خواهد مؤمن بشود و جزو مؤمنین قرار بگیرد باید ویژگی و صفات مؤمنین را داشته باشد اگر یک فردی هست که خانواده خود را به ادب سوء تربیت می‌کند معلوم می‌شود که مؤمن نیست مؤمن شدن هم که موجب بهشتی شدن است

تربیت مؤمنانه خانواده موجب بهشتی شدن آن‌هاست بر اساس روایت اگر تربیت مؤمنانه خود و خانواده هم نباشد جهنمی است ما یک قاعده کلی داریم هر کاری که انسان را جهنمی می‌کند حرام است

بنابراین تربیتی که غیر مؤمنانه باشد و خانواده را به اجمعهم همه را وارد جهنم بکند طبق روایت این تربیت حرامی است در مقابل تربیت مؤمنانه، بنابراین انسان مؤمن اگر می‌خواهد به حرام نیفتد لازم است که خانواده خود را طوری تربیت بکند که دچار آتش دوزخ نشود این تربیت وقایی می‌شود تربیت صیانتی آنها را از جهنم حفظ بکند و به بهشت راهنمایی بکند.

## روایت سوم

از رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام است که این رساله از ذخایر روایی با ارزش هست که در بین شیعیان وجود دارد شاید کمتر به آن توجه شده است اما یکی از مستندات مهم در تمامی یا بگوییم در اغلب ابواب فقه تربیتی رساله حقوق را حتماً کسانی که می‌خواهند فقه تربیتی کار کنند باید مد نظر داشته باشند در قسمت‌های مختلف و ابواب مختلف فقه تربیتی می‌شود به رساله حقوق می‌شود استناد کرد

یکی از مواردی که به رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام استناد شده است به قاعده فقهی تربیت وقایی است در این رساله که از نظر سندی قابل اثبات هست و قابل تثبیت هست سندی که رساله حقوق دارد که بحث‌هایش مفصل است دوستان به رساله دکتری بنده مراجعه کنند آنجا در حاشیه بحث سندی و اثباتش را ذکر کرده‌ام

یکی از مطالبی که حضرت در رساله فرموده‌اند **﴿ وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِکَ فَتَعْلَمُ أَنَّکَ مَسْئُول عَمَّا وُلِّیتَهُ مِنْ حُسْنِ الأَدَبِ وَ الدَّلاَلَهِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَهِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ ﴾** یعنی یکی از حقوق که فرزند بر تو دارد این است که بدانی که تو نسبت به کسی که بر او ولایت داده شده‌ای در نیکو تربیت کردن خصوصاً ادب و راهنمایی به پروردگارش و کمک کردن در طاعتش مسئولی.

ما چطور مسئولیم؟ از ما چه می‌پرسند یعنی هر طور که رفتار کنیم می‌گویند خوب رفتار کردی؟ معلوم می‌شود که اینجا ما دو حالت داریم ادب خوب و ادب بد، راهنمایی بر پروردگار و راهنمایی نکردن بر پروردگار، کمک بر طاعت خدا و کمک نکردن بر طاعت خدا، باید رفتار پدر به گونه‌ای باشد که در جهت مثبت حسن ادب راهنمایی کردن بر پروردگار و معونة بر طاعت.

در این روایت منظور از حسن ادب یعنی معاشرت اجتماعی، فرزندان را به گونه‌ای تربیت بکند که بتواند در جامعه با رعایت آداب عرفی با دیگران یک همزیستی مناسبی داشته باشد بالاخره به پدر و مادرش ناسزا نگویند مثلاً نگویند لعنت به پدر و مادری که تو را تربیت کرد

منظور از دلالت بر پروردگار، آشنا کردن با اعتقادات صحیح است و منظور از معونه بر طاعت تربیت فقهی به گونه‌ای است که مطیع خداوند باشد

بنابراین می‌بینید هم قسمت‌های اخلاقی را پوشش داده است و هم قسمت‌های اعتقادی را پوشش داده است و هم قسمت‌های اخلاقی را این روایت پوشش داده است

در هر سه بخش پدر وظیفه دارد که فرزند را به گونه‌ای تربیت بکند که از بین دو قسم خوب و بد، قسم حسن را فرزند انتخاب کند و به آن سمت تمایل داشته باشد زمینه‌سازی در آن سمت برایش فراهم باشد

بنابراین این روایت بر لزوم تربیت اجتماعی، اعتقادی و عبادی فرزندان دلالت دارد و جمله‌ای هم که حضرت دارند انک مسئول ظهور در این است که تکلیف الزامی هست تکلیف اجبار هست که باید از روش‌های تربیتی مناسب استفاده کنیم چون از مسئول سؤال می‌پرسند یعنی باید پاسخگو باشد

در مسائل مستحبات و مکروهات شاید دلالتی نداشته باشد البته هر 30:48؟؟؟؟ اگر پدر و مادری از جهت مستحبات و مکروهات اقدام بکنند کار خوبی کرده‌اند حسن هست اما روایات کار بالاتر یعنی مسئولیت بالاتری را می‌گوید که در این زمینه چون بازخواست می‌شود حتماً الزامیات را شامل می‌شود

این تکلیف اختصاص به دوران مکلف بودن فرزند ندارد در دوران قبل از تکلیف هم پدر و مادر باید به گونه‌ای عمل بکنند که بچه وقتی به دوره تکلیف خود رسید یک سری از کارها را بتواند ملکه شده باشد و بتواند کارها را انجام بدهد

همه می‌دانید برخی از کارها زمان‌بر است تربیت کردن نسبت به برخی از افراد زمان‌بر است این‌جور نیست که فرزند یک شبه نیکوکار بشود سخاوتمند بشود، مثلاً تا قبل از تکلیف ناسزا می‌گفته است بعد فردا هیچ حرفی از او صادر نشود حرف زشت. باید ملکه بشود این عادت کردن لازم دارد برخی از این اعمال و عادت کردن هم قبل از تکلیف است و پدر و مادر هم وظیفه دارند که عادات خوب را در فرزند ایجاد بکنند که تا بعد از تکلیف دچار معصیت و اشتباه و گناه و اینکه خود را به آتش دوزخ بیندازد نشود

ممکن است که در مقابل برخی بگویند ادله‌ای داریم که می‌گوید پدر و مادر چنین تکلیفی ندارند لازم نیست حتماً فرزندان خود را حفظ بکنند و تکلیف انسانی در این زمینه ندارند چه دلایلی ممکن است آنها داشته باشند باید بررسی بکنیم

# دلیل عقلی مخالفین

گفته‌اند ما دلیل عقلی داریم که پدر و مادر وظیفه صیانتی و وقایه‌ای ندارند نسبت به فرزندان چرا؟ چون عقل می‌گوید هر کسی نسبت به اعمال و رفتار خود مسئول است یعنی اینکه دفع ضرر محتمل ولی این دفع ضرر یعنی ضرری که به خود شخص می‌رسد عقل می‌گوید این کار واجب است اگر ضرر می‌رسد دفع کن یا جلب منفعت، جلب منفعتی که به خودت می‌رسد نه اینکه به دیگران، عقل چنین حکمی ندارد که نسبت به دیگران جلب منفعت بکنید یا نسبت به دیگران دفع ضرر بکنید عقل چنین حکمی ندارد

بنابراین دلیل عقلی که می‌گفتید عقل مستحسن می‌داند منفعت فرزندان را جلب کنید مردود هست

## جواب

در جواب می‌گوییم؛ یکی اینکه ادله عقلی صیانت از فرزندان که گذشت عقل می‌گوید حسن و خوبی حفظ فرزندان از شما را عقل درک می‌کند این کار بالاخره حسن هست یا نیست ما در دلیل عقلی گفتیم عقل درک می‌کند اگر یک نفر را حفظ کردی و از آتش دوزخ مصون ماند این کار حسنی است این مقدار را عقل درک می‌کند 34:39؟؟؟

و در آنجا اثبات کردیم که عقل از دلیل عقلی الزام فهمیده نمی‌شود اگر بگوییم الزام، ممکن است دچار همین اشکال بشویم ولی ما گفتیم عقل استحسان را درک می‌کند همین قدر که من فهمیدم حفظ دیگری از خطر مستحسن هست همین کافی است برای اینکه حکم کند به استحسان حفظ فرزندان از این گناه

اگر می‌گفتیم الزام، این اشکال وارد بود ما گفتیم عقل می‌گوید استحسان، از دلیل عقلی حسن وقایه ثابت می‌شود

دوم اینکه وارد غیر مستقلات عقلی می‌شویم

می‌گوییم در صغرای بحث، صغرای شرعی که با توجه به آیات و روایاتی که گفتید آیه وقایه و روایاتی که وجود داشت مثل رساله حقوق صغرای شرعی برای ما ثابت کرد که والدین وظیفه تربیت فرزندان را دارند در کبرا عقل می‌گوید اگر وظیفه خودت ای پدر و مادر عمل نکردی دچار ضرر می‌شوی و دفع ضرر از خود انسان با دلیل عقل واجب است برای اینکه انسان به آن ضرر یعنی آتش جهنمی که نتیجه ترک تربیت فرزندان است اتفاق نیفتد عقل می‌گوید برو و کار خوب را انجام دهید تربیت درست را انجام دهید.

البته این می‌شود غیر مستقلات عقلیه، بحث مستقل عقلی از آن بیرون نمی‌آید پس دلیل اول که اشکال اول آورده بودند این که از دلیل عقلی الزام فهمیده نمی‌شود ما هم قبول داریم ما همان اول هم گفتیم استحسان

می‌گویند در ادله قرانی آیاتی داریم مثل آیه لا اکراه و آیات مشابهی که می‌فرماید **﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ**[[5]](#footnote-5) **﴾** در دین هیچ اجباری نیست شما وقتی می‌خواهید فرزندانتان را بهشتی کنید مجبور می‌کنید که این‌ها بهشتی بشوند و ما بهشتی شدن جزو اجبار کار ما نیست و ما نمی‌خواهیم دیگران را مجبور به بهشتی شدن کنیم

این را چگونه جواب بدهیم

## جواب اشکال

در جواب می‌گوییم اشکالاتی بر این استدلال وارد است

اولاً این آیات مبارکه مثل آیه ﴿ لا اکراه فی الدین ﴾ و مشابهش بحث در پذیرش قلبی در دین را می‌گویند، می‌گویند که پذیرش قلبی دین اجبار و اکراهی نیست اما اگر کسی اسلام را پذیرفت و قبول کرد باید به لوازمش یعنی اطاعت خداوند هم ملزم باشد

دوم اینکه پدر و مادر نمی‌خواهند اجبار قلبی بکنند چون اصلاً نشدنی است علامه هم در المیزان این را دارند که الزام قلبی نشدنی است این آیه می‌گوید نشدنی است خودش باید بپذیرد، پدر و مادر باید زمینه‌سازی بکنند برای پذیرش قلبی او، حالا خواست بپذیرد و نخواست نپذیرد

چون اصلاً اکراه در امر اعتقادی، (لا، لای نفی جنس است، وجود ندارد) نمی‌شود انجام داد

سوم اینکه

بر فرض که آیه بر نفی هر گونه اجباری در دین دلالت داشته باشد نمی‌تواند لزوم وظیفه والدین نسبت به فرزندان دست برداشت چون والدین می‌توانند وظیفه صیانتی خودشان را با روش‌های تربیتی غیر اجباری و غیر اکراهی انجام بدهند حالا آیه وقایه حتماً نگفته است که شما با اجبار و اکراه این کار را انجام بدهید

اگر بپذیریم ما از اجبار و اکراه نفی شده‌ایم نباید اجبار و اکراه کرد با آیه وقایه قابل جمع است که از روش‌هایی استفاده بکنیم که روش‌های اکراهی و اجباری نباشد باز هم وظیفه والدین را نمی‌توان چشم پوشی کرد بنابراین در آیه هیچ دلالتی ندارد که والدین وظیفه صیانتی و وقایی خود را ترک کنند و کنار بگذارند.

برخی روایات دیگر هم در این زمینه وارد شده است

# جمع‌بندی

در جمع‌بندی با توجه به مجموعه استدلالات آیه وقایه و روایاتی که بود و پاسخی که به نافیان وظیفه­مندی داده شد از آن در می‌آید که والدین نسبت به خود و نسبت به فرزندان خود و پدر خانواده نسبت به همسر خود وظیفه الزامی حفظ آنها از آتش جهنم دارد که یکی از راه‌های اساسی، تربیت وقایی است به گونه‌ای فرزندان را تربیت بکند مخصوصاً در رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام حسن ادب در آنها باشد معونه علی طاعة الله باشد دلالت بر 41:01؟؟؟ باشد

پس برای اینکه تربیت حفظ کننده از آتش داشته باشیم باید تربیت وقایی داشته باشیم این نتیجه‌اش می‌شود

شما می‌توانید این نتیجه‌گیری را بر موضوعات و مصادیق مختلفی انطباق بدهید در زندگی خود زندگی فردی و اجتماعی.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

1. - سوره طلاق، آیه 6 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره تحریم، آیه 6 [↑](#footnote-ref-2)
3. - میزان الحکمه به نقل از صحیح مسلم [↑](#footnote-ref-3)
4. - دعایم الاسلام، ج 1، ص 82 [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره بقره، آیه 256 [↑](#footnote-ref-5)